



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

## The New York Times

تغییر سیاست هسته‌ای  
پس از درگذشت رئیسی؟

درگذشت ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهوری ایران این سوال را در برخی محافل ایجاد کرده است که آیا سال ۲۰۲۴ سال می‌گردد که نمی‌تواند فرصت را از دست بدهد و در میانه رقابت‌های امنیتی، به سمت ساخت سلاح هسته‌ای حرکت کند؟ کارشناسان اغلب می‌گویند که ایران به‌رغم برخورداری از منابع لازم، هرگز تصمیمی برای ساخت سلاح هسته‌ای نگرفته است. اما آیا درگذشت آقای رئیسی فرصتی را برای برخی جریان‌ها در کشور ایجاد کرده که نسبت به ساخت سلاح هسته‌ای ممکن است حساسیت کمتری داشته باشند. حتی در اتفاقی نشان می‌داد که کارشناسان استم موضوع ایران در حال تغییر باشند. زودخوردگی اخیر با اسرائیل، که از زرادخانه هسته‌ای برخوردار است، باعث تغییر لحن ایران شد. کمال خرازی، مشاور رهبری ایران در تاریخ ۹ مه گفت: «ما تصمیمی برای ساخت بمب هسته‌ای نداریم، اما اگر موجودیت ایران تهدید شود، چاره‌ای جز تغییر دکترین نظامی ما وجود نخواهد داشت.» در ماه آوریل، یک قانونگذار ارشد ایرانی و یک فرمانده نظامی سابق هشدار داده بود که ایران می‌تواند در «نصف روز یا مثلاً یک هفته» اورانیوم را تا آستانه خلوص ۹۰ درصدی مورد نیاز برای یک بمب غنی‌سازی کند. وی گفت که ایران «به تهدیدها در همان سطح پاسخ خواهد داد» و به این معناست که حملات اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران باعث بازنگری در موضع هسته‌ای ایران می‌شود. رابطه ایران با فناوری هسته‌ای همیشه مبهم بوده است. چه در دوران رژیم محمدرضا پهلوی طرفدار غرب در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و چه در دوران جمهوری اسلامی که از سال ۱۹۷۹ قدرت را در دست داشته، ایران همواره به‌گونه‌ای رفتار کرده که قدرت‌های خارجی مجبور شده‌اند در مورد اهداف هسته‌ای اش دست به حدس و گمان بزنند اما هرگز تصمیمی برای عبور کامل از آستانه گریز هسته‌ای نگرفته است. چندین دلیل مهم برای این امر وجود دارد، از ملاحظات مذهبی در مورد اخلاقی بودن ساخت سلاح‌های هسته‌ای تا عضویت ایران در معاهده جهانی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای. اما بزرگترین دلیل ایران، دلیل استراتژیک بوده است. از نظر تاریخی، رهبران ایران بارها به این نتیجه رسیده‌اند که از «بازی براساس قوانین» نظم بین‌المللی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بیشتر از رقابت برای دستیابی به بمب، سود می‌برند. ایران برای ساخت سلاح، ابتدا باید از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای خارج شود. این اقدام ایران فوراً اهدافش را به جهان نشان می‌دهد و می‌تواند مداخله نظامی آمریکا را تحریک کند. در عین حال، دولت انقلابی تمایلی به تسلیم شدن در برابر خواسته‌های غرب و برچین برنامه هسته‌ای اش به‌طور کلی نداشته است، زیرا این امر نوعی نمایش ضعف است. مقامات ایران بدون شک از سرنوشت معرالفدافی در لیبی آگاه هستند که در سال ۲۰۰۳ موافقت کرد برنامه هسته‌ای کشورش را رها کند و هشت سال بعد پس از مداخله نظامی ائتلاف به رهبری ناتو سرنگون شد. زمانی که مناقشه هسته‌ای ایران و آمریکا برای اولین بار در اوایل دهه ۲۰۰۰ آغاز شد، ایران تنها ۱۶۴ سانتریفیوژ قدیمی داشت و اشتباهی کمی برای برنامه تسلیحاتی داشت. اما اصرار غیرواقعی دولت بوش منجر به موافقت ایران با «غنی‌سازی صفر» برنامه هسته‌ای ایران را حیثیتی کرد. در طول سال‌هایی که دولت اوباما صرف مذاکره با ایران کرد، ایران به غنی‌سازی اورانیوم و افزودن به ذخایر خود ادامه داد، تا حدی که توانست از این توانایی به عنوان اهرمی در مذاکرات استفاده کند و البته، خروج دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا از توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۸ و کمپین فشار حداکثری متعاقب آن، ایران را بر ادامه مسیر مصمم‌تر کرد. از لحاظ تاریخی، ایران احساس کرده است که راهبرد پوشش هسته‌ای بهترین دفاع در برابر تهاجم و تهاجم خارجی است و تهران ممکن است تحت شرایطی به این نتیجه برسد که حرکت به سمت ساخت بمب صرفاً باعث خصومت بیشتر، از سوی ایالات متحده شود. اما واشنگتن به‌طور فزاینده‌ای حواسش پرت شده، ممکن است در موقعیتی نباشد که در برابر حرکت ناگهانی و سریع ایران برای ساخت بمب واکنش قاطع نشان دهد، به‌خصوص اگر ایران زمان این اقدام را باعلاقه انتخاب کند.



دبیلمت  
ایران

احمد میرقندری، عباسعلی خلعتری و اردشیر زاهدی، سه وزیر امور خارجه دوران پهلوی در کنار هم/ عکس: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

## تکلیف مرز ایران در اروندرود

نصرالله خلعتری، فرزند شکرالله نامه‌نگار در سال ۱۲۴۷ شمسی در تهران متولد شد. پس از تحصیلات به خدمت در وزارت خارجه پرداخت و لقب اعتلاءالملک به او اعطاء شد. او در تحدید حدود ایران و عثمانی نقش مؤثری داشت. اعتلاءالملک پس از فتح تهران در سال ۱۲۸۸ به دست مشروطه‌خواهان و فرار محمدعلی شاه، به عضویت محکمه قضاوت عالی درآمد. کار این محکمه، محاکمه مخالفان مشروطه بود که به حکم آن کسانی چون آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری و میرهاشم تبریزی دوه‌چی اعدام شدند. مهدی بامداد در باره او در کتاب شرح حال رجال ایران می‌نویسد: «نصرالله خلعتری از کارمندان وزارت خارجه شغلهش راقم نامجات مبارکه و فرامین وزارت خارجه بود و ملقب به اعتلاءالملک گردید. اولین سفیر ایران در افغانستان بود.» از طرف دولت ایران نماینده تحدید حدود مرزهای غربی ایران گردید که خان ملک ساسانی، در کتاب «دست پنهان سیاست انگلیس در ایران» می‌نویسد: «آقای نصرالله خلعتری، اعتلاءالملک که آن وقت در وزارت امور خارجه تهران مدیر اداره عثمانی بود... به نمایندگی دولت ایران تعیین شده، به اسلامبول رفتند و در مدت ۹ ماه به دستور اجانب، با نمایندگان عثمانی به تبانی و مجامله وقت گذرانده و نتیجه نگرفتند... این ناحیه‌ای را که به امضاء آقای نصرالله خلعتری، اعتلاءالملک نماینده ایران که دول واسطه به رایگان و به دلخواه خود از ایران جدا کرده‌اند در حدود ۴۸ فرسخ مربع مساحت دارد.» منظور از این قرارداد، معاهده‌ای است که در سال ۱۹۱۳ میلادی برابر با ۱۲۹۱ شمسی بسته شد و به عهدنامه اسلامبول معروف است. به موجب این قرارداد، حاکمیت اروندرود از خط قعر تعیین شد. همچنین بخشی از اراضی واقع در شمال و جنوب قصر شیرین به دولت عثمانی واگذار شد. این اراضی بعدها به اراضی انتقالی شهرت یافت.

اعتلاءالملک خلعتری در کابینه وثوق‌الدوله وزیر دارایی و در کابینه حکیمی، وزیر کشاورزی شد و مدتی سفیر ایران در افغانستان بود. در دوره اول مجلس سنا با عنوان سناتور انتصابی شرکت نمود و در سال ۱۳۴۱ در ۹۴سالگی در تهران درگذشت. عباسعلی خلعتری پس از پایان دوره ابتدایی، برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و دوره متوسطه را آنجا سپری کرد. سپس دانشنامه خود را از مدرسه سیاسی پاریس و دکترایش را در رشته حقوق بین‌الملل از دانشگاه پاریس گرفت. در سال ۱۳۲۱ مشاغل دولتی را با ورود به وزارت دارایی آغاز کرد. اما خیلی زود در وزارت امور خارجه شغله شد و از سال ۱۳۲۳ تا اواخر دهه سی این مناصب را بر عهده داشت: کارشناس اداره تشریفات ۱۳۲۱، کارشناس اداره سوم سیاسی ۱۳۲۳، کارشناس ارشد اداره سوم سیاسی ۱۳۲۴، دبیر دوم در برن ۱۳۲۴، کاردار در ورشو ۱۳۲۶، رئیس اداره سازمان ملل متحد ۱۳۲۹، رابین اول در پاریس ۱۳۳۴، رئیس اداره سوم سیاسی ۱۳۳۶، وزیر مختار ۱۳۳۷، نماینده اصلی ایران در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد ۱۳۳۷، رئیس اداره تشریفات ۱۳۳۷، وزیر مختار در ورشو ۱۳۳۸، سفیرکبیر در ورشو ۱۳۴۱، دبیرکل سازمان سنتو ۱۳۴۰، معاون سیاسی وزارت امور خارجه ۱۳۴۶، قائم‌مقام وزیر امور خارجه ۱۳۴۸، وزیر امور خارجه در دولت‌های امیرعباس هویدا و جمشید آموزگار از شهریور ۱۳۵۰ تا شهریور ۱۳۵۷.

خلعتری در سال ۱۳۳۸ به‌عنوان سفیر ایران در ورشو منصوب شد و در سال ۱۳۴۰ با پیشنهاد مسعودی انصاری به دبیرکلی سازمان پیمان مرکزی سنتو انتخاب شد و به آنکارا رفت و تا هفت سال این سمت را بر عهده داشت. او در سال ۱۳۴۷ و در دوره‌ای که اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه بود، به معاونت وزارت امور خارجه منصوب شد. دو سال بعد قائم‌مقام این وزارتخانه شد و سرانجام در شهریور ۱۳۵۰ در دولت امیرعباس هویدا اسکان هدایت وزارت امور خارجه ایران را بر عهده گرفت. وی تا ۲۵ شهریور ۱۳۵۷ در دولت جمشید آموزگار وزیر امور خارجه بود و با استعفای آموزگار از نخست‌وزیری، خلعتری نیز از سمت خود استعفا داد و بازنشسته شد. عباسعلی خلعتری در دوران بازداشت خود در فروردین ۱۳۵۸ یادداشت‌هایی به‌جا گذاشت که در خور اهمیت است. از مهمترین اقدامات و امضای پیمان معروف ۱۹۷۵ الجزایر بود که ایران و عراق با آن مرز خود را در آب‌های اروندرود تعیین کردند. این قرارداد به دلیل انتشار اعلامیه مشترک دو کشور در ۱۵ اسفند ۱۳۵۳ - ۶ مارس ۱۹۷۵ - در الجزیره که پیش‌زمینه امضای پیمان نامه شد و با میانجی‌گری مقامات الجزایر در تمام مراحل، به پیمان الجزایر معروف شده است؛ هر چند محل امضای تمام پیمان‌ها و پیوست‌ها و موافقت‌نامه‌های مرتبط در بغداد بوده است. گسترش روابط با آمریکا و قراردادهای نظامی هنگفت دهه پنجاه نیز یکی دیگر از مهمترین اتفاقات در دوران وزارت خلعتری است؛ هر چند او در این زمینه نقش کمتری داشت و خود شاه بود که این امور را هدایت و برنامه‌ریزی می‌کرد.

## روابط ایران و آمریکا

روابط ایران و آمریکا در سه دهه پایانی حکومت پهلوی مهمترین موضوع در روابط خارجی ایران بود و خلعتری نیز در این زمینه بسیار فعال بود. سفارت آمریکا در گزارشی درباره بیوگرافی خلعتری می‌نویسد: «خلعتری که در سپتامبر ۱۹۷۱ مصادف با شهریور ۱۳۵۰ به‌عنوان وزیر امور خارجه منصوب شد، قبلاً در سمت‌های معاون وزیر خارجه و معاون سیاسی وزیر خدمت کرده است. خلعتری، ۵۲ساله، دارای دکترای حقوق از دانشگاه پاریس، جایی که در علوم سیاسی نیز کار کرده است، می‌باشد. خلعتری از سال ۱۹۴۲ - ۱۳۲۱ - در برن، ورشو، واشنگتن و پاریس به‌عنوان دیپلمات کار کرده و به‌عنوان دبیرکل پرسیقه سنتو شهرت فراوانی کسب کرده است... وی علاوه بر عضویت در حزب ایران

کارنامه دیپلماتیک عباسعلی خلعتری  
از دبیرکل سازمان سنتو تا قرارداد الجزایررئیس دفتر  
روابط خارجی شاه

وزارت سال‌ها به‌عنوان قائم‌مقام این وزارتخانه نقش ایفا می‌کرد، از سابقه خاندانی نیز برخوردار بود و پدرش با وجود آنکه کارمند وزارت خارجه بود اما در کابینه‌های وثوق‌الدوله و حکیمی به وزارت دارایی و کشاورزی رسید. نصرالله خلعتری قرارداد مرزی را با عثمانی در مورد اروندرود امضا کرد که پسرش عباسعلی خلعتری با قرارداد الجزایر تکلیف آن را تمام کرد و حاکمیت ایران بر اروندرود را تثبیت کرد؛ هر چند در دوران دفاع مقدس، ایران در جنگ هشت‌ساله تحمیلی از سوی عراق مجبور شد مفاد این قرارداد را با خون صدها هزار نفر از سربازان خود قطعیت ببخشد. خلعتری به‌عنوان وزیری که کاره‌ای نبود تاوان سختی داد و در ۶۶سالگی توسط صادق خلخالی به اعدام محکوم شد. او در میان وزیران امور خارجه دوران پهلوی تنها کسی بود که پس از انقلاب اعدام شد.

عباسعلی خلعتری، وزیر امور خارجه دهه پنجاه محمدرضا پهلوی در سال ۱۲۹۱ در تهران به دنیا آمد. او فرزند نصرالله اعتلاءالملک خلعتری و نواده شکرالله نامه‌نگار بود که هر دو در دستگاه سیاست خارجی دوران قاجار مشغول به کار بودند. پدر بزرگ مادری اش اسدالله خان مشارسالطنه نیز در زمان احمدشاه قاجار وزیر امور خارجه بود.

## داود دشتبانی

خبرنگار گروه دیپلماسی



عباسعلی خلعتری که از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ عهده‌دار وزارت امور خارجه بود، همانگونه که خود در دادگاه پس از وقوع انقلاب اسلامی گفت، وزیر امور خارجه «در حقیقت کار یک رئیس دفتر روابط خارجی» بوده و «نه تنها من، بلکه پیش از من و بعد از من وظایفی به عهده آن‌ها گذاشته شده بود؛ به دربار می‌رفت و کسب تکلیف می‌کرد و شاه در این مورد تصمیم‌گیرنده همه کارها و برنامه‌ها بود و قدم به قدم سیاست را خود دنبال می‌کرد». خلعتری به‌عنوان کسی که طولانی‌ترین دوران وزارت امور خارجه را در عصر پهلوی داشت، به نماد سیاست خارجی شاه در سال‌های پایانی بدل شد و از سوی ایران قرارداد الجزایر را امضا کرد و در رابطه با آمریکایی‌ها قرار گرفت و سال‌ها دبیرکل پیمان سنتو را برعهده داشت و در این مقام نیز در ارتباط با انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها نقش مهمی ایفا کرد. در دوره او ایران در سرکوب شورشیان ظفار در عمان مشارکت کرد. او که پیش از